



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 4, Issue 3, 2024

Security-Oriented Crime Prevention Conflicts with Citizens' Privacy

Habiballah Khodsiani¹, Mahmoud Malmir^{*2}, Masoud Heidari³

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 23-36

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-6183-6969

TELL: +989107030091

Email: Dr.malmir1@gmail.com

Article history:

Received: 21 Dec 2023

Revised: 30 Mar 2024

Accepted: 14 Jun 2024

Published online: 22 Sep 2024

Keywords:

Citizen Rights, Privacy,
Situational Prevention,
Security-Oriented Prevention.

ABSTRACT

Security is one of the fundamental categories of citizens' lives, which interacts with the occurrence of crime and its prevention. Dependence on absolute security is not compatible with human life and is against the enjoyment and application of some rights, including the right to privacy. Prevention of crime is not only limited and exclusive to the actions after the crime, and during the commission of the crime and before it is also possible, the government in the general sense of the word, i.e. the governing powers of the legislature, the executive and the judiciary, take measures in order to realize the prevention of the crime. Although privacy is essential in many cultures and societies; But sometimes and in case of conflict, it is possible to violate it. Of course, these violations are relative and may be different in some societies than others. The purpose of this research is to explain the consequences of the security of criminal law, which is in conflict with the violation of privacy, and the main question is what components of security-oriented prevention have the possibility of conflicting with the privacy of citizens. have? This research was done with a descriptive-analytical method and in the form of a library. The result is that the government should exercise its supervisory role in an exceptional manner and not intervene in the areas related to privacy except in the case of expediency and necessity.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Khodsiani, H; Malmir, M & Heidari, M (2024). "Security-Oriented Crime Prevention Conflicts with Citizens' Privacy". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(3): 23-36.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

تعارضات پیشگیری امنیت‌مدار از جرم با حریم خصوصی شهروندان

حبیب‌الله خودسیانی^۱، محمود المیر*^۲، مسعود حیدری^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار، گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. دانشیار، گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

امنیت از جمله مقوله‌های بنیادین زندگی شهروندان است که با وقوع جرم و پیشگیری از آن در تعامل است. قائل‌شدن به امنیت مطلق با حیات آدمی متناسب نیست و منافی بهره‌مندی و کاربست برخی از حق‌ها، از جمله حق داشتن حریم خصوصی است. پیشگیری از وقوع جرم، تنها محدود و منحصر به اقدامات پس از وقوع جرم نیست و حین ارتکاب جرم و پیش از ارتکاب نیز ممکن است دولت به مفهوم عام کلمه، یعنی قوای حاکم مقننه، مجریه و قضاییه اقداماتی را در راستای تحقق پیشگیری از وقوع بزه انجام دهند، هرچند رعایت حریم خصوصی در بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، امری ضروری است، اما گاهی اوقات و در صورت تعارض، امکان نقض آن وجود دارد، البته این موارد نقض هم امری نسبی است و ممکن است در برخی جوامع نسبت به برخی دیگر، موارد نقض آن متفاوت باشد. هدف از انجام این پژوهش، تبیین تبعات امنیتی‌شدن حقوق کیفری موضوعی است که در تعارض با نقض حریم خصوصی است و پرسش اصلی این است که پیشگیری امنیت‌مدار واجد چه مؤلفه‌هایی است که امکان تعارض مؤلفه‌های مذکور با حریم خصوصی شهروندان وجود داشته باشد؟ این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است، نتیجه این که دولت باید نقش نظارتی خود را به صورت استثنایی اعمال و در حوزه‌های مربوط به حریم خصوصی جز در صورت مصلحت و ضرورت وارد نشود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۳-۳۶

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۶۹۶۹-۶۱۸۳-۰۰۰۱-۰۰۰۰

تلفن: ۰۹۸۹۱۰۷۰۳۰۰۹۱+

ایمیل: Dr.malmir1@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق شهروندی، حریم خصوصی، پیشگیری وضعی، پیشگیری امنیت‌مدار.



مقدمه

گرایش شدید دولت‌ها به دو مفهوم پیچیده «امنیت» و «پیشگیری» و به تبع آن مداخله‌های کیفری که در راستای آن انجام می‌شود، سیاست جنایی زمان حاضر را منحصر به فرد کرده است، به گونه‌ای که در این نوع از سیاست‌های جنایی تفاوت چشم‌گیری میان مفاهیمی مانند امنیت ملی و امنیت عمومی، پلیس و نیروهای نظامی مقابله با پیشگیری و بسیاری دیگر از مفاهیم وجود ندارد و در واقع نوعی حقوق امنیتی شکل گرفته است که توهم وجود خطر و در نتیجه غایت خطرزدایی را دنبال کرده است و نقش حقوق سنتی در آن نقشی محدود، مختصر و غیراصولی است. از رهگذر امنیت‌گرایی، جرم تبدیل به امتیازی سیاسی و بهانه‌ای برای سرکوب در بستر یک نظام قضایی شده است که از اصل تفکیک قوا دور مانده است و در واقع دولتی شده است، در نتیجه اقدامات پیشگیرانه دارای صبغه امنیتی شده است که در آن نقض حقوق و آزادی‌های فردی عادی و به بهانه امنیت موجه می‌شود. از اقدامات پیشگیرانه در سیاست جنایی تقنینی می‌توان به جرم‌انگاری اقدامات مقدماتی اشاره کرد که نقش تسهیل‌گری در انجام جرم اصلی امنیتی را دارد و با «جرم‌انگاری مانع» یا «بزه‌انگاری بازدارنده» شناخته می‌شود. مقدمات ساده اعمال ضداجتماعی که ماهیتاً انحراف محسوب می‌شود، در اثر برداشت‌هایی که از مفهوم حالت خطرناک صورت گرفت، در قالب جرایم خاص در مجموعه قوانین کیفری کشورها وارد شد و رفتارهایی مانند شروع به بزه، قاچاق جنگ‌افزار، ولگردی که زمینه خطر را فراهم می‌ساختند جرم‌انگاری شد. این جرم‌انگاری‌ها در واقع برای پیشگیری از وقوع جرایم با شدت و اهمیت بیشتر که دارای تأثیرات منفی امنیتی در سطح وسیع برای حاکمیت و ملت است، صورت می‌گیرد و در «ادیات جرم‌شناسی از آن با عنوان جرایم مانع یاد می‌شود» (محمودی، ۱۳۸۷: ۳۴۷). ایدئولوژی امنیت‌گرا از طریق اقداماتی خواستار موجه‌جلوه‌دادن اقدامات خود است. این رویکرد با تکیه بر جرم و با بزرگ‌نمایی احساس عدم امنیت به شدت عمل کیفری روی آورد و به اذهان شهروندان چنین القا کرد که چنانچه بزهکاران با شدت تمام سرکوب نشوند، جامعه تباہ خواهد شد. در واقع همه اقدامات هیأت حاکمه،

در این الگو با توجیہات امنیتی و به بهانه جریحه‌دارشدن افکار عمومی با استفاده از تاکتیک‌هایی مانند بازنمایی رسانه‌ای از جرم و عوام‌گرایی کیفری صورت می‌گیرد. این تلقین، سبب ایجاد احساس رعب و وحشت در شهروندان می‌شود و حمایت ایشان را از قوانین سخت‌گیرانه به دنبال خواهد داشت. «در این فضاست که طرفداران این ایدئولوژی، خواهان بسط مداخله کیفری دولت و تشدید پاسخ‌های سرکوبگر و کاهش اختیارات مساعدت‌آمیز مراجع قضایی و توسعه اختیارات نهادهای اجرایی وابسته به دولت هستند» (راسخ، ۱۳۹۳: ۴۱). از طرف دیگر ماهیت و آثار مخرب برخی جرایم خود توجیه‌کننده برخی از سیاست‌گذاری‌های تقنینی متفاوت شده است. برای نمونه قانون میهن‌پرستی ایالات متحده، نخستین پاسخ قانونی به تروریسم بین‌المللی (پس از ۱۱ سپتامبر) بود، در حالی که این قانون به‌عنوان الگوی قانونی پیکار با تروریسم، «پاسخی بود به بحران امنیت ملی نه یک عملکرد شفاف قانون‌گذاری.»

نقض حریم خصوصی افراد با استفاده از وسایلی همچون دروغ‌سنج از طرف دولت‌ها با اهداف سیاسی و یا امنیتی، از طرف کارفرمایان، شرکت‌ها و یا مشاغل مختلف با اهداف استخدام، بازاریابی، تجارت یا رقابت و از سوی افراد عادی به منظور باج‌خواهی، سرگرمی، ایجاد هیجان و ... با توجه به اعمال ارتكابی، انگیزه، میزان صدمه وارده، عرف، شرایط اجتماعی و انتظار معقول از حریم خصوصی، باید به‌دقت مورد جرم‌انگاری قرار گیرد، به نحوی که حداکثر حمایت ممکن در قوانین پیش‌بینی شود. در نظام قضایی کشورهای مختلف، قوانین معدودی برای محدود یا ممنوع‌کردن استفاده از دروغ‌سنج در حوزه‌های مختلف وجود دارد. برای مثال در آمریکا در سال ۱۹۸۸ گامی مؤثر در این زمینه برداشته شد و «آن تصویب قانون حمایت از کارکنان در برابر دروغ‌سنج توسط دولت فدرال ایالات متحده آمریکا بود» (رالز، ۱۳۹۷: ۸۷). در زمینه موضوع این پژوهش تحقیق‌های متعددی صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. محمد منصورنژاد (۱۳۹۱) در کتاب «دکترین‌های امنیت و آزادی و دین»، موضوع را از حیث ارتباط دین و امنیت و آزادی و آزادی دینی بررسی کرده است. اصغر

و تکلیف برای مداخله در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و حمایت از حقوق بشر را قائل است، برای حفظ ارزش‌های مورد تأیید خود، نیازمند مداخله‌های جدید و بعضاً گسترده بوده است که با نظارت و مداخله مثبت دولت در حوزه آزادی‌ها تحقق می‌یابند. در دولت قانونمند لیبرال، جداسازی دو حوزه عمومی و خصوصی از طریق تقسیم نمادین عرصه اجتماعی به دو محیط متمایز از هم، یعنی دولت از یک‌سو و جامعه مدنی از سوی دیگر، منجر به مشخص شدن حد و مرزهای دخالت دولتی در حیات اجتماعی و ایجاد نوعی حد فاصل می‌شود. بنابراین دولت قادر به انجام هر کاری نیست و فعالیت‌هایش دارای محدودیت‌های عینی، حتی در نظارت و پیشگیری است (شوالیه، ۱۳۷۸: ۶۳). در اندیشه لیبرالیسم امنیت نیز به شکلی کاملاً متفاوت تعریف می‌شود، بدین صورت که در رویکردهای جدید امنیتی، انسان جایگاه برجسته‌ای قرار دارد. امنیت یکی از حقوق اولیه و بنیادین انسانی ارزیابی شده است که به هر طریقی دولت تکلیف در تأمین آن دارد. واحد امنیت، دولت ملی نیست و انسان‌ها ارزش ذاتی دارند. امنیت انسان از مسیر دولت ملی نمی‌گذرد، بلکه دولت ملی برای تأمین امنیت انسان‌ها به وجود آمده است. امنیت در حیات افراد جامعه و نه در حیات دولت بازتاب یافته و حیات دولت در خدمت تأمین امنیت افراد قرار می‌گیرد (یزدان‌فام، ۱۳۸۸: ۱۷).

۲- حریم خصوصی بدنی و گستره تهدیدات و نقض آن در موارد تلاقی

از میان تدابیر شش‌گانه پیشگیری از جرم، اقدامات و تدابیر مراقبتی و نظارتی که در قالب پیشگیری وضعی نوع اول، دوم و سوم به اجرا گذارده می‌شود، جزء مواردی است که با حریم خصوصی بدنی اشخاص در تلاقی قرار می‌گیرد. در واقع هرگونه اقدام پیشگیرانه که بدن انسان اعم از اندام ظاهری یا داخلی را سوژه قرار دهد، می‌تواند موجبات نقض حریم خصوصی بدنی را فراهم آورد (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۳۲). هریک از این اقدامات می‌تواند به‌واسطه کنشگران رسمی همچون ضابطان دادگستری یا غیررسمی همچون مؤسسات مردم‌نهاد به‌صورت عادی یا با کمک دستگاه‌های الکترونیک به‌منظور پیشگیری از وقوع جرم به‌عنوان یکی از مصادیق پیشگیری

افتخاری (۱۳۹۳). عباس در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل الگوی تعامل و آزادی و امنیت»، این موضوع را از حیث توصیفی و براساس موارد قانون اساسی ایران مورد توجه قرار داده است. اعظم مهدوی‌پور و نجمه شهرانی (۱۳۹۳) در مقاله «امنیتی‌شدن جرم‌شناسی: راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری»، به امنیتی‌شدن دولت، تحدید حقوق بنیادین و آزادی‌های شهروندان و به محاق رفتن آزادی اشاره کرده‌اند. هما داوودی گرمارودی و سمانه طاهری (۱۳۹۹) در کتاب «سیاست کیفری سخت‌گیرانه»، تقابل امنیت و آزادی را در نظام عدالت کیفری آمریکا بررسی کرده است، اما نوآوری پژوهش حاضر در این است که مواردی را که برای پیشگیری جرایم ضدامنیتی انجام می‌شود، در تعارض با نقض حریم خصوصی با نگاهی به نظریه‌های سیاسی و مقایسه آن با مواد مطرح در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته است.

۱- بررسی ابعاد فروض متلاقی و گستره نقض ساحات حریم خصوصی

در حکومت‌های اقتدارگرا، آزادی به نفع اطاعت از اقتدار و با ابزارهای حداکثری محدودیت و اقتدار در قالب مجازات و با درجه محدودیت‌های متفاوت اعمال می‌شوند. در حوزه نظارت با نام و زیر پوشش نظارت و پیشگیری هر نوع اقدام مداخله‌گرانه و برای هرکس انجام می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۸). بنابراین اگرچه نظارت‌ها با هدف ایجاد احساس امنیت بیشتر در افراد بوده است، اما عموماً نتیجه‌ای معکوس به‌دنبال داشته است. احساس ناامنی، ترس از جرم، نقض حریم خصوصی، نقض آزادی و کرامت انسانی، نبود کارکردهای مؤثر در پیشگیری و تغییر آماج و جابجایی جرم، عدم کارایی و ... از جمله ایرادهایی می‌باشند که به این شیوه از نظارت پیشگیرانه وارد کرده‌اند. با توجه به آنکه هدف و شیوه عملکرد دولت‌های حداکثری مداخله‌گر مشخص است بحث چندانی در این مورد لازم نیست. چالش اصلی به گسترش سازوکارهای نظارت پیشگیرانه در دولت‌های لیبرال یا آزادمنش بازمی‌گردد. لیبرالیسم در مجموع بر اولویت آزادی نسبت به برابری و عدالت اجتماعی تأکید دارد و آزادی را هدف اصلی و برابری و عدالت را وسیله دستیابی به آن می‌داند، اما از آنجا که دولت لیبرال جامعه‌مدار برای خود حق

دقیق بازرسی و تفتیش بدنی افراد مقررات خاصی دیده نمی‌شود که همین امر می‌تواند زمینه نقض حریم خصوصی بدنی را فراهم آورد (راسخ، ۱۳۹۳: ۴۱). بازرسی و تفتیش افراد می‌تواند در قالب بازرسی ظاهری صورت بگیرد و می‌تواند به صورت تفتیش اعضای داخلی بدن واقع شود. مهم‌ترین انواع بازرسی اندام‌های داخلی بدن را می‌توان در قالب آزمایشات مختلف، معاینات داخلی و جراحی یا سستشوی معده دانست. به کارگیری هریک از این روش‌ها با نقض حریم خصوصی افراد ملازمه دارد. از این رو به کارگیری هریک از این شیوه‌ها در حالت عادی و به عنوان اقدام پیشگیرانه اولیه جز در موارد بسیار خاص مانند احتمال وقوع اقدامات تروریستی نمی‌تواند دارای توجیه باشد. درخصوص تفتیش از اندام‌های داخلی بدن به منظور کشف جرم یا یافتن ادله جرم در قوانین ایران به صراحت اشاره‌ای نشده است، اما از اطلاق مواد قانونی مورد اشاره درخصوص تفتیش و بازرسی اشخاص می‌توان جواز انجام این گونه تفتیش‌ها را منوط به اجازه مخصوص مقام قضایی دانست که به وسیله مراکز پزشکی قانونی انجام خواهد شد (محمودی، ۱۳۸۷: ۳۴۷). با توجه به تکلیف بازپرس در لزوم تسریع در جمع‌آوری و تحصیل دلیل نیز می‌توان جواز تفتیش از اندام داخلی بدن را استنباط کرد. ماده ۹۵ ق.آ.د.ک (۱۳۹۲) مقرر می‌دارد: «بازپرس مکلف است برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم، اقدامات فوری را به عمل آورد و در تحصیل و جمع‌آوری ادله وقوع جرم تأخیر نکند.» لازم به ذکر است که مواد ۳ الی ۱۵ طرح حمایت از حریم خصوصی به بحث حمایتی در مورد حریم خصوصی بدنی پرداخته است. مواد ۴ و ۵ این طرح به ضابطان دادگستری در موارد توقیف قانونی اشخاص اجازه داده است به منظور کشف اسلحه و وسایل یا ادله جرم اشخاص دستگیر شده را مورد تفتیش قرار دهند. ماده ۸ طرح مزبور، بازرسی بدنی با درآوردن لباس درخصوص مظنونان به ارتکاب جرم تنها در مواردی جایز دانسته است که نخست مرجع صالح قضایی این دستور را داده باشد و دوم این که ظن قوی بر این وجود داشته باشد که چنانچه بازرسی انجام نشود، ادله جرم از روی بدن مظنون محو شود و بدون آن ادله، اثبات جرم عرفاً غیرممکن یا بسیار دشوار شود، به نظر می‌رسد

وضع‌ی تلقی می‌شود. استفاده از این شیوه در معابر و اماکن عمومی به عنوان پیشگیری اولیه در جلوگیری و پیشگیری از جرایم متعددی، از جمله جرایم مواد مخدر، جرایم حمل ادوات، ابزار، مهمات و سلاح غیرمجاز می‌تواند نقش قابل توجهی در کاهش جرایم مزبور داشته باشد. استفاده از این شیوه درخصوص نوجوانان یا افرادی که قرائن قابل توجهی مبنی بر ارتکاب بزه درخصوص آن‌ها وجود دارد، می‌تواند به عنوان پیشگیری ثانویه مورد استفاده واقع شود و بالاخره این که به رهگیری از این شیوه می‌تواند درخصوص افراد دارای سابقه محکومیت به عنوان پیشگیری ثالث مورد توجه قرار گیرد. در هریک از این سه نوع پیشگیری موضوع تفتیش و بازرسی بدنی می‌تواند برای هدف پیشگیری از وقوع جرم مورد استفاده قرار گیرد (عبداللهی، ۱۳۹۸: ۱۸).

شایع‌ترین اقدامات در این خصوص می‌تواند به شکل تفتیش و بازرسی بدنی یا به کارگیری روش‌های بیومتریکس انجام شود که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- تفتیش و بازرسی بدنی

تفتیش و بازرسی بدن افراد و لباس‌های ایشان یکی از روشن‌ترین مصادیق نقض حریم خصوصی بدنی به‌شمار می‌رود که لازم است توسط قانون‌گذاران حمایت شود. به همین منظور مقنن با مفروض دانستن ممنوعیت بازرسی و تفتیش بدنی شهروندان سعی کرده است مواردی را که انجام این رفتار ضرورت می‌یابد را معین کند. مطابق ماده ۵۵ ق.آ.د.ک (۱۳۹۲) بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی مجاز است، هرچند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد. مفهوم مخالف این ماده، آن است که بازرسی و تفتیش بدنی در جرایم مشهود امکان‌پذیر است. مطابق ماده ۱۳۵ این قانون، تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود، اگرچه ضوابط کلی راجع به بازرسی اشخاص به‌موجب این دو ماده تا حدودی مشخص شده است، با این حال در قوانین ما در زمینه تعیین ضوابط

۲-۲-۲- هندسه و شکل دست

هرچند پیشتازی فرآیند بیومتریکی براساس شکل دست افراد، بازار خود را از دست داده است، اما به هر حال این فناوری همچنان اجرا می‌شود. یکی از دلایل احتمالی کاهش میزان تمایل برای به‌کارگیری هندسه و شکل دست، چالش برانگیز بودن دقت دستگاه‌های مربوطه است.

۲-۲-۳- اسکن (تصویر) شبکه چشم

بیومتریکیس براساس تصویربرداری شکل رگ‌های شبکه چشم افراد هرگز نتوانسته آنچنانکه انتظار بود و حتی باوجود تمایل مردم به سمت تکنولوژی، جای مناسبی در میان سایر روش‌ها داشته باشد.

۲-۲-۴- تشخیص عنبیه چشم

فرآیند بیومتریکی براساس تصویربرداری از خلل و فرج عنبیه که رنگ چشم را تشکیل می‌دهند، به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است و ادعا می‌شود که میزان دقت این تکنولوژی به نسبت سایر فناوری‌های بیومتریکی بیشتر است که دلیل آن قابلیت نصب نرم‌افزاری این تکنولوژی در کامپیوتر و یا دوربین‌های دیجیتال است.

۲-۲-۵- تشخیص صورت

این سیستم متکی به تصویربرداری ویژگی‌های خاص صورت، از قبیل چشم‌ها، بینی و دهان و ... است. فناوری تشخیص صورت احتمالاً شرایط فناوری سایر روش‌های بیومتریکی دیگر را در چند سال گذشته تغییر داده است. تعدادی از تولیدکنندگان ادعا کرده‌اند که محصولی را دارند که می‌تواند یک صورت را در یک جمعیت انبوه تشخیص دهد.

۲-۲-۶- تشخیص صدا

این روش بیومتریکی براساس این تئوری قرار دارد که صدای هر فرد، واحد و مشخص بوده و با اشخاص دیگر متفاوت است که قاعده‌تاً متکی بر تصویر دیجیتالی امواج صوتی ایجادشده در هنگام گفتن برخی کلمات خاص است و وقتی که فردی بخواهد پس از یک ثبت‌نام به سیستمی وارد شود، وی باید تمام یا بخشی از کلمات را دوباره تکرار کند و سیستم تشابه امواج صوتی را در مقایسه با اجرای اولیه،

منوط کردن انجام بازرسی بدنی به حکم قضایی در بسیاری موارد از این حق افراد حمایت می‌کند. در عین حال مکلف کردن قاضی نسبت به مکتوب کردن مستندات، وجود ظن قوی نیز به سازماندهی و مستندشدن این‌گونه مجوزها کمک می‌کند و از این رو لازم است این تکلیف برای قضات در تدوین لوایح یا طرح‌های مربوط به حمایت از حریم خصوصی پیش‌بینی شود (عباس‌زاده، ۱۳۹۰: ۷۶).

۲-۲-۲- روش‌های بیومتریکیس

بیومتریکیس به‌عنوان روش شناسایی منحصربه‌فرد انسان‌ها بر مبنای یک یا چند ویژگی یا مشخصه طبیعی معرفی شده است. این روش به‌عنوان یک شیوه مدیریت دسترسی به هویت و کنترل در گروه‌های تحت نظارت مورد استفاده قرار می‌گیرد. امروزه در سراسر جهان از روش بیومتریکیس استفاده می‌شود و کاربرد آن رو به تزاید است. این فناوری در دستگاه‌های کوچکی به‌کار رفته است که برای کنترل اماکن حساس مانند خزانه‌های بانک یا تأسیسات هسته‌ای امنیت را تأمین می‌کند. اخیراً با گسترش فناوری در خرده‌فروشی‌ها، فروشگاه‌های بزرگ، مؤسسات حکومتی، دفاتر پلیس، مراکز نگهداری کودکان و ماشین‌ها به‌کار گرفته می‌شود. مهم‌ترین ایراد و اشکال استفاده از این روش تضاد آن با حریم خصوصی بدنی افراد است. شایع‌ترین روش‌های بیومتریکی که ممکن است منجر به نقض حریم خصوصی بدنی شود، در ادامه مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱- انگشت‌نگاری

فرآیند بیومتریکی با انگشت‌نگاری و شصت‌نگاری، یک عملکرد متداول به‌حساب می‌آید که علت آن می‌تواند به‌واسطه آشنایی عامه مردم با این عمل و نیز کارایی استاندارد انگشت‌نگاری به‌وسیله جوهر باشد. امروزه استفاده از دستگاه‌های خواندن اثر انگشت بیش از حد افزایش پیدا کرده است که در میان آن‌ها می‌توان قراردادن این دستگاه را در «موشواره» و صفحه کلید یا کارت‌های هوشمند و دستگاه‌های کوچک مرتبط نام برد (کی‌نیا، ۱۳۹۸: ۲۹۸).

که متعرض حریم خصوصی فیزیکی نمی‌شود. درخصوص نظارت پیشگیرانه وضعی نیز اگرچه تحقق تقابل پیشگیری وضعی نوع اول، دوم و سوم با حریم خصوصی فیزیکی وجود دارد، اما به‌نظر نمی‌رسد حداقل درخصوص پیشگیری وضعی نوع اول بتوان فرض عملی قابل توجهی را متصور بود (موسی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۳۱). لذا به‌نظر می‌رسد بیشترین نگرانی درخصوص نقض حریم خصوصی در پیشگیری وضعی نوع دوم و سوم باشد. هریک از این اقدامات می‌تواند به‌واسطه کنشگران رسمی همچون ضابطان دادگستری یا غیررسمی همچون نهادهای مردم‌نهاد به‌صورت عادی یا با کمک دستگاه‌های الکترونیک به‌منظور پیشگیری از وقوع جرم به‌عنوان یکی از مصادیق پیشگیری وضعی تلقی شود. در مواردی که حسب گزارش‌هایی که از منابع رسمی یا غیررسمی به مقامات قضایی می‌رسد، چه‌بسا برای پیشگیری از وقوع جرم، یافتن و شناسایی متهم و یا جمع‌آوری ادله ضرورت پیدا کند در چنین وضعیتی ورود به حریم خصوصی مصداق روشنی از نقض حریم خصوصی خواهد بود، البته براساس مبانی شرعی و عقلی که در فصل بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت، ورود به حریم خصوصی در موارد مذکور با رعایت ضوابط و ترتیبات قانونی نقض حریم محسوب نمی‌شود، با این حال از آنجا که امکان تخطی و تخلف از ضوابط مذکور وجود دارد، شایع‌ترین موارد نقض حریم خصوصی را باید در مواردی دانست که کنشگران رسمی به واسطه تجویز قانون امکان ورود به حریم خصوصی فیزیکی را دارند، اما به‌دلیل نامشخص بودن و ابهام ضوابط و یا فقدان ضمانت اجراهای مناسب درصورت تخلف، همواره بیم نقض حریم وجود دارد (صفاری، ۱۳۸۱: ۲۸۹).

شایع‌ترین اقدامات ناقض حریم خصوصی فیزیکی به‌صورت ورود بدون رضایت به منزل یا محل اقامت دیگری تحقق می‌یابد. با این حال نقض حریم خصوصی اماکن خصوصی و منازل را نباید منحصر به ورود فیزیکی دانست، بلکه ممکن است این حریم به‌واسطه نصب دوربین‌های مداربسته در منزل فرد برای تحت نظر قراردادن شخص مورد تعدی و نقض واقع شود. درواقع هرگونه پایش منزل یا محل اقامت به‌صورت کنشگران انسانی و یا توسط ابزار و فناوری‌های

بررسی خواهد کرد. تشخیص صدا به‌دقت سایر دستگاه‌های بیومتریک، ازقبیل انگشت‌نگاری و تشخیص شبکیه نیست، ولی می‌تواند تنها فناوری قابل دسترس در برخی کاربردهای خاص (ازقبیل فعل و انفعالات تلفنی) باشد.

۲-۲-۷- دینامیک امضا/ صفحه کلید

دو مورد که به‌صورت نمادین و واحد توسط هر فرد انجام می‌گیرد، امضاکردن و تایپ با صفحه کلید است. بیومتریک دینامیک امضا، جهت، سرعت و فشاری را که در هنگام امضا اعمال می‌شود، بررسی و با امضاهای دیگر فرد مقایسه می‌کند. بیومتریک با صفحه کلید، سرعت، ریتم و فشار دست‌ها را هنگام تایپ بررسی می‌کند. لازم به یادآوری است که اخیراً صفحه‌های زبردستی برای امضا الکترونیکی در برخی از فروشگاه‌ها برای خرید با کارت‌های اعتباری به بازار آمده است (دل‌وکیو، ۱۳۹۶: ۵۰).

ویژگی‌های منحصربه‌فرد روش‌های بیومتریک این روش را به ابزاری جهت حفاظت از حریم خصوصی مبدل ساخته است. درواقع این سامانه‌ها با نگرانی از هویت و یکپارچگی، حریم خصوصی را امن می‌کند (حبیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۳۵). از سویی دیگر قانونی‌شدن سریع این فرآیند و تنوع ابزارهای مورد استفاده نگرانی‌هایی را درخصوص سوءاستفاده از اطلاعات بیومتریک افراد و درنتیجه نقض حریم خصوصی بدنی افراد به‌وجود آورده است. برای نمونه سازمان «ایکائو» که در سال ۱۹۹۴ در شیکاگو آمریکا تشکیل شد و بیش از ۱۸۹ عضو در سراسر جهان دارد امروزه مسؤولیت وضع استانداردهایی را درجهت ارتقای امنیت برعهده دارد. این سازمان تا سال ۲۰۱۰ همه اعضای خود را ملزم به استفاده از ماشین‌های رمزخوان استاندارد در رمزهای خود کرده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

۳- حریم خصوصی فیزیکی و گستره تهدیدات و نقض آن در موارد تلاقی

باتوجه به تبیین تکنیک‌های مختلف پیشگیری اجتماعی از جرم از یک‌سو و تبیین مفهوم حریم خصوصی فیزیکی به‌نظر نمی‌رسد این دو مقوله با هم اصطکاک و تقابلی پیدا کنند، چه این‌که اساساً تکنیک‌های پیشگیری اجتماعی به‌نحوی است

به‌نظر می‌رسد اهمیت حریم خصوصی فیزیکی در قیاس با سایر ساحات حریم خصوصی موجب شده است، در نظام حقوقی ایران برای افرادی که حریم خصوصی فیزیکی را نقض می‌کنند، مقررات حمایتی جامع‌تر و کامل‌تری وضع شود. این مقررات، اگرچه به‌صراحت به حریم خصوصی اشاره نکرده‌اند، اما می‌توان تا حد زیادی در حمایت از حریم خصوصی فیزیکی به استناد آن‌ها، ناقضین را مورد مجازات قرار داد. ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) برای ضمانت اجرای مصونیت منزل و مسکن افراد، ورود بدون رعایت ترتیبات قانونی مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد، بدون اجازه و رضای صاحب منزل را جرم و برای مرتکب به حبس از یک‌ماه تا یک سال پیش‌بینی کرده است (صادقی، ۱۳۹۴: ۲۸۸).

در ماده ۶۹۴ قانون مزبور، فرض ورود با عنف و تهدید از سوی هر شهروندی به منزل دیگری را مورد توجه قرار داده است و مقرر می‌دارد: «هرکس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود، به مجازات از شش‌ماه تا سه‌سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آن‌ها حامل سلاح باشد، به حبس از یک تا شش‌سال محکوم می‌شوند.» ماده ۶۹۱ قانون مزبور نیز بیانگر فرضی است که ناقض پس از اخطار متصرف در فضای منزل مانده باشد: «هرکس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است، اعم از این که محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده، ولی بعد از اخطار متصرف، به قهر و غلبه مانده باشد، علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد ... محکوم می‌شود.» از ملاحظه و بررسی مواد مورد اشاره مشخص می‌شود که بنابراین نمی‌توان فرضی را که شخص عادی بدون اجازه و رضایت صاحب منزل و البته بدون عنف یا تهدید وارد منزل یا محل سکونت او شده است، مجرم تلقی کرد.

قوانین کیفری شکلی نیز به‌منظور عدم تعرض به حریم خصوصی افراد در مکان‌های خصوصی قواعد و تشریفات خاصی در نظر می‌گیرند. یکی از اقدام‌های رایج در مراحل مختلف دادرسی، بازرسی‌هایی است که در مکان‌های مختلف برای کشف حقیقت انجام می‌شود و طی این بازرسی‌هاست

الکترونیکی موجبات نقض حریم خصوصی را فراهم می‌آورد و چه‌بسا باوجود ابزار پیشرفته که امکان مشاهده فضای داخل منزل را به‌وجود می‌آورد، حریم خصوصی منزل مورد تعدی قرار گیرد.

منزل مکانی است که افراد در آنجا آرامش فکر و جسم خود را بازمی‌یابند و ارتباطات صمیمی خود را شکوفا می‌کنند. در این فضا، حوزه حمایت‌شده خانواده پوشش داده می‌شود و روابط صمیمی خانوادگی و احساسی به اوج می‌رسد. این فضا ممکن است اتاق کوچکی در یک هتل باشد یا یک خانه بزرگ که شخص متصرف، مالک آن یا صاحب منافع آن است. از همین رو بند ۳ ماده ۲ طرح حمایت از حریم خصوصی در تعریف منزل مقرر می‌دارد: «انواع خانه‌ها، چادرهای مسکونی، داخل وسایل نقلیه مسقف، بخش‌های مسکونی کشتی‌ها، اتاق استراحت هتل‌ها، مهمان‌سراها، خوابگاه‌های دانشجویی، بیمارستان‌ها و دیگر تأسیسات مشابه و یا اماکنی که عرفاً به این منزل اطلاق می‌شود، داخل در این تعریف هستند.» بر این اساس شاید بتوان به‌جای منزل از اصطلاح جامع‌تری استفاده کرد، برای مثال، اماکن خصوصی که گستره بیشتری دارد. اماکن خصوصی را می‌توان اماکن متعلق به شخص یا اشخاص خصوصی دانست که یا در تصرف آن‌هاست، لذا ورود دیگران به آنجا یا عرفاً مجاز نیست یا مالک یا متصرف قانونی به‌نحو مشخصی در چهارچوب قانون، ورود دیگران به آن اماکن را ممنوع اعلام کرده است (دورکین، ۱۳۹۷: ۷۸).

نکته دیگر این که عواملی همچون مالکیت و ماهیت عمومی یا خصوصی بودن محل را در خصوصی بودن مکان نباید دخیل دانست، اگرچه شخص، مالک عین یا منافع مکانی که در آن خلوت کرده است، نباشد، شاید عرفاً یا قانوناً مستحق برخورداری از حریم خصوصی آن مکان باشد. برای مثال در خصوصی بودن مکانی مانند سلول زندان برای مدت محکومیت نیز نباید شک کرد. سلول زندانی، مکانی مختص وی است که محکوم علیه حق دارد در آن مکان اختصاصی به دور از نظاره دیگران به امور شخصی خویش بپردازد (مصفا، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

شایانی می‌کند. همچنین ماده ۴۲ این قانون مقرر کرده است که: «تفتیش و بازرسی منزل یا محل سکنتای افراد در حضور متصرف یا ارشد حاضران و در صورت ضرورت با حضور شهود تحقیق، ضمن رعایت موازین شرعی و قانونی، حفظ نظم محل مورد بازرسی و مراعات حرمت متصرفان و ساکنان و مجاوران آن به عمل می‌آید.» علاوه بر مواد فوق از قانون آیین دادرسی کیفری به برخی قوانین دیگر نیز می‌توان اشاره کرد که در راستای حمایت از حریم خصوصی فیزیکی وضع شده‌اند. بند هشتم قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب (۱۳۸۳) مقرر می‌دارد: «بازرسی و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم متعلق ندارد و افشای نامه و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.»

باتوجه به این‌که بازرسی از مکان خصوصی امری استثنایی بوده است و اصل بر منع تعرض به حریم خصوصی افراد است، موارد مجاز بازرسی از مکان خصوصی باید به صراحت و روشنی در قانون آیین دادرسی کیفری بیان شود و به همین دلیل، در صورتی‌که بازرسی از منزل یا مکان خصوصی با موضوع اتهام یا یافتن متهم یا جمع‌آوری دلایل ارتباطی نداشته باشد، دستور بازرسی خلاف قانون است (هداوند، ۱۳۸۴: ۸۱).

برخلاف پیش‌بینی‌های مناسبی که در قانون آیین دادرسی کیفری جدید شده است، ضروری است که به دلیل اهمیت حرمت منزل و مسکن در پیشینه فرهنگی دینی ایرانیان، قواعد و تشریفات منسجم، معقول و منطقی برای بازرسی وضع شده تا محدوده و قلمرو اختیارات مقام‌های قضایی و ضابطان دادگستری روشن شود و زمینه سوءاستفاده احتمالی از این اختیارات نیز از میان برود (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۲۷).

۴- حریم خصوصی ارتباطی و گستره تهدیدات و نقض آن در موارد تلاقی

حریم خصوصی ارتباطی به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین ساحات حریم خصوصی امروزه با گسترش و توسعه فناوری‌های نوین

که ممکن است حریم خصوصی فیزیکی افراد مخدوش شود. به همین منظور مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در مقایسه با قوانین پیشین تضمینات مناسب‌تری را برای جلوگیری از نقض حریم خصوصی فیزیکی شهروندان پیش‌بینی نموده است. ماده ۴ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به‌گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.»

به‌موجب ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هرچند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد»، ولی وفق مفهوم مخالف همین ماده در جرایم مشهود، ضابطان قضایی نیازی به اخذ مجوز ندارند، هرچند به‌منظور حفظ حقوق عمومی عمل ضابطان قضایی در جرایم مشهود قابل توجیه است، اما لازم است که با وضع قانون، محدوده تفتیش ایشان کاملاً مشخص شود تا حمایت بیشتری از حریم خصوصی محقق شود.

ملاحظه می‌شود که مقنن باز هم حساسیت بیشتری نشان داده است و در این رابطه در ماده ۱۴۱ مقرر داشته است: «دستور مقام قضایی برای ورود به منزل، اماکن بسته و تعطیل، تحت هر عنوان باید موردی باشد و موضوعی که تفتیش برای آن صورت می‌گیرد، زمان، دفعات ورود، اموال، اماکن و نشانی آن‌ها به صراحت مشخص شود.»

ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) مقرر می‌دارد: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود.» برخلاف مقررات سابق آیین دادرسی که مقام قضایی هیچ‌گونه تکلیفی در مورد بیان جهت ضرورت بازرسی نداشت، پیش‌بینی ضرورت قید جهات ظن قوی در پرونده در این ماده به حفظ حرمت و احترام حریم خصوصی کمک

از حقوقی مورد نکوهش و در مواردی قابل مجازات دانسته شده است. امروزه پیشرفت فناوری سبب شده است که انواع ارتباطات نه فقط از طریق تلفن، بلکه وسایل رادیویی نیز قابل شوند و رهگیری باشد. تلفن‌های معمولی، همراه و سلولی که از سیگنال‌های یکسان استفاده می‌کنند به آسانی قابل شنود هستند. همچنین رهگیری کانال‌های رادیویی نیز اعم از آنکه این کانال‌ها زمینی باشند یا برای ارتباطات بین‌المللی از طریق ماهواره ایجاد شده باشند، آسان شده است. استفاده از ابزارهای شنود لیزری نیز در دنیا مرسوم شده است و در تمام زمینه‌ها استراق سمع مکالمات اشخاص به‌عنوان یک ابزار تهدید استفاده می‌شود. بسیاری از مکالمات محرمانه سازمان‌های نظامی و اطلاعاتی و رجل سیاسی و امنیتی در معرض تهدید قرار دارند که این امر حساسیت بررسی این موضوع را دوچندان نموده است. در هر صورت می‌توان گفت که حریم خصوصی افراد از سوی رسانه‌های نوین ارتباطی به‌شدت محدود شده است و افراد به‌صورت کالایی درآمده‌اند که دارای یک شماره مخصوص هستند و دولت هر لحظه می‌تواند آن‌ها را در هر نقطه‌ای که باشد پیدا کند و بر آن‌ها اعمال کنترل کند (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۸).

در نتیجه، شنود لزوماً به‌معنای استراق سمع نیست، بلکه منظور از آن اطلاع‌یافتن عمدی از محتوای در حال انتقال اعم از مکالمه‌ها، پیامک‌های نوشتاری در سامانه‌های مختلف رایانه‌ای، مخابراتی، الکترومغناطیسی و نوری و در یک کلام ابزار الکترونیکی است. نکته دیگر درخصوص نحوه تحقق شنود این است که این امر می‌تواند به‌صورت مستقیم و هم‌زمان با تولید داده‌ها قابل شنود باشد و یا این‌که اطلاعات مزبور ضبط و آرشیو شود و سپس مورد استفاده قرار گیرد که در هر دو حالت رفتار مادی شنود تحقق یافته است. لازم به ذکر است این مفهوم موسع از اصطلاح «شنود» در قوانین نیز وارد شده است. ماده ۴۸ قانون جرایم رایانه‌ای در همین رابطه مقرر می‌دارد: «شنود محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به شنود مکالمات تلفنی خواهد بود.»

از تنوع و تکرار قابل توجهی برخوردار شده است و به همین میزان نیز مخاطرات و تهدیدات نسبت به این حوزه افزایش یافته است. از میان تدابیر و تکنیک‌های پیشگیری اجتماعی در انواع سه‌گانه آن، پیشگیری نوع دوم و سوم که در آن‌ها اقدامات و مداخله‌های روان‌شناختی اجتماعی مورد استفاده واقع می‌شود، به‌نحوی است که ممکن است میان آن‌ها با حریم خصوصی ارتباطی تزاخم و تقابل شکل بگیرد. پیشگیری وضعی در انواع سه‌گانه آن با حریم خصوصی ارتباطی چه از نوع کلامی - حضوری، ارتباطات از راه دور، ارتباطات پستی و اینترنتی کاملاً مورد تهدید و تعدی قرار می‌گیرد (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۵۰).

امروزه وجود خطر دوربین‌ها و میکروفن‌های مخفی، هر شهروندی را در هر نقطه از دنیا هراسناک کرده است، به‌گونه‌ای که هر لحظه احساس می‌کند تمام حرکاتش تحت کنترل است. امروزه تلفن که یکی از لوازم اساسی زندگی است به فاش‌کننده اسرار افراد تبدیل شده است و امکان دارد هر لحظه تماس‌های افراد کنترل شود و حتی در صورتی که این کنترل صورت نگیرد، ترس از وجود کنترل، حریم امنیتی فرد را به‌شدت آسیب‌پذیر کرده است. در سطحی کلان می‌توان همین کارکرد کنترل را در مورد ماهواره‌ها نیز تسری داد (یزدان‌فام، ۱۳۸۸: ۱۰). کنترل و رهگیری حوزه ارتباطی افراد می‌تواند با هدف پیشگیری از جرم نسبت به عموم افراد جامعه یا نسبت به گروه‌های خاص در معرض بزهکاری و یا نسبت به بزهکاران با هدف پیشگیری ثالث، منافع و دستاوردهایی را به‌همراه داشته باشد. نظر به سهولت این قبیل تدابیر امکان وقوع و بهره‌مندی دولت‌ها از این ابزار بسیار زیاد است. «حریم ارتباطات اشخاص به‌ویژه ارتباطات الکترونیک آن‌ها از حساس‌ترین شاخه‌ها یا ارکان حریم خصوصی به‌شمار می‌رود، زیرا فرض بر این است که اطلاعاتی در آن‌ها جریان دارد که در صورت دسترسی غیرمجاز به آن‌ها می‌تواند زیان‌بارترین آسیب‌ها را به دارنده یا موضوع اطلاعات وارد آورد.»

استراق سمع به‌عنوان شایع‌ترین اقدام تعرض‌آمیز به حریم خصوصی ارتباطی، از دیرباز در نظام‌های مختلف اخلاقی و

درخصوص نوع محتوای ارتباط و تأثیر آن در نقض یا عدم نقض حریم خصوصی ارتباطی باید توجه داشت که این امر تأثیری در تحقق نقض ندارد، لذا محرمانه‌بودن یا غیرمحرمانه بودن محتوا اثری ندارد، بلکه آنچه مهم است، شنود و دریافت محتوای ارتباط است. ارتباطات به هر شکل و به هر صورتی که باشند و حاوی هرچه باشند، تابع اصل مصونیت ارتباطات از تعرض‌اند، چه محتوای این ارتباطات امور خصوصی افراد باشد و چه مسائل غیرخصوصی. «از جمله تمایزهای بارز حریم ارتباطی و حریم اطلاعاتی اشخاص این است که در اینجا از بستر ارتباطی و تبادل داده‌ها و اطلاعات و نه خود آن‌ها حمایت می‌شود، لذا تفاوتی نمی‌کند که چه نوع اطلاعاتی در اینجا جابه‌جا می‌شود.»

ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) صرف مفتوح یا توقیف یا معدوم‌نمودن مراسلات افراد و نیز ضبط و استراق سمع مکالمات و افشاء آن هم فقط توسط مستخدمین و مأمورین دولتی (در غیرمواردی که قانون اجازه داده باشد) را جرم و مستوجب مجازات می‌داند و اگر افراد عادی مرتکب اعمال مذکور شوند یا اگر مأموران شهرداری و مأموران به خدمات عمومی باشند، مشمول این ماده نیستند. مأمور دولتی کسی است که از سوی دولت خدمتی به او محول شده باشد، مثلاً شرکت‌هایی که به‌عنوان پیمانکار با وزارت پست و تلگراف و تلفن قرارداد می‌بندند تا مراسلات مردم را برسانند و کارمندان آن‌ها نیز گرچه مستقیماً قرارداد منعقد نکرده‌اند، اما به‌صورت غیرمستقیم مأمور دولت محسوب می‌شوند.

کارمند دولت نیز چنانچه با توجه به «سمت خود» مرتکب این جرم شود، مشمول ماده ۵۸۲ خواهد بود، اما اگر در موقعیت عادی و بدون توجه به سمت خود این کار را انجام دهد، مشمول این ماده نمی‌شود، مانند این‌که کارمند دولت نامه همسایه خود را از پستی بگیرد و آن را باز کند یا معدوم کند. در این مورد اداره حقوقی دادگستری در نظریه ۷/۳۴۷۲ - ۱۳۷۷/۰۸/۱۶ می‌گوید: «ضبط‌کردن یا استراق سمع مذاکرات تلفنی توسط مستخدمین و مأمورین دولتی جرم و مشمول ماده ۵۸۲ ق.ا.م.ا است، لکن چنانچه شخص ثالثی که مرتکب اعمال مذکور شده از مأمورین یا مستخدمین دولتی نباشد، قابل تعقیب کیفری نیست، مگر این‌که ارتکاب این اعمال، مستلزم مزاحمت

قوانین ایران درخصوص حمایت این ساحت حریم خصوصی پیش‌بینی‌های لازم، اما ناکافی را اعمال داشته‌اند و به‌نظر می‌رسد جامعیت این اقدامات منوط به شفاف‌سازی هرچه بیشتر دامنه اختیارات و تکالیف کنشگران رسمی پیشگیری از جرم می‌باشد (طاهری، ۱۳۹۲: ۴۶). در قسمت‌های پیشین به برخی قوانین حمایتی در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) اشاره شد. افزون بر این، قوانین متفرقه و پراکنده دیگری نیز سازوکارهای حمایتی را پیش‌بینی کرده‌اند. شاید مهم‌ترین اقدام تقنینی در همین رابطه قانون جرایم رایانه‌ای باشد، ماده ۲ این قانون مقرر می‌دارد: «هرکس به‌طور غیرمجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا امواج الکترومغناطیسی یا نوری را شنود کند، به حبس از شش‌ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده‌میلیون‌ریال تا چهل‌میلیون‌ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» ماده فوق تا حد زیادی خلأ تقنینی راجع به عدم جرم‌انگاری و فقدان ضمانت اجرای استراق سمع توسط اشخاص عادی را پوشش داده است. نکته‌ای که در رابطه با گستره نقض حریم خصوصی ارتباطی باید نسبت به آن توجه داشت: اولاً مصادیق و انواع ارتباطات است؛ ثانیاً محتوا و مفاد مربوط به ارتباط است. درخصوص انواع و مصادیق حریم ارتباطاتی چنانچه فصل ششم لایحه حمایت از حریم خصوصی مقرر کرده است، حریم خصوصی ارتباطات، به ارتباطات پستی، ارتباطات از راه دور و ارتباطات کلامی حضوری و ارتباطات اینترنتی تقسیم می‌شود.

بند ۷ ماده ۲ لایحه حمایت از حریم خصوصی در تعریف ارتباطات چنین گفته است: «ارتباطات اعم از ارتباطات کلامی حضوری، کتبی، الکترونیکی، سیمی و ... است که به‌وسیله آن هرگونه مکالمه و انتقال پیام در اشکال کلامی حضوری، مکتوب، داده، متن، تصویر، صدا، علائم و نشانه‌ها و یا در یک شکل ترکیبی از آن‌ها انجام می‌گیرد.» به‌نظر می‌رسد تدوین‌کنندگان این لایحه با استفاده از الفاظی مانند «غیره» و یا «هرگونه» سعی داشته‌اند محدوده ارتباطات را تا آنجا که می‌تواند موسع در نظر گیرد و برقراری ارتباط به هر طریقی و از هر نوعی که باشد را مشمول تعریف خود قرار دهند (جوانمرد، ۱۳۹۸: ۹۰).

تلفنی یا استفاده غیرمجاز از تلفن باشد که در این صورت به جهات اخیر قابل تعقیب کیفری خواهد بود.»

تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون تأسیس شرکت مخابرات ایران درباره استفاده غیرمجاز از وسایل مخابراتی، از جمله برای ورود به حریم خصوصی دیگران می‌گوید: «هرکس از وسایل مخابراتی عمومی یا اختصاصی که در اختیار دارد، به‌طور غیرمجاز استفاده کند، در نوبت اول به او کتباً اخطار می‌شود و در نوبت دوم به مدت پانزده‌روز ارتباط او قطع یا از استفاده ممنوع خواهد شد. در صورت تکرار، اشتراک یا اجازه استفاده او لغو می‌شود یا تقاضای تجدید اشتراک یا استفاده پس از انقضای شش‌ماه با رعایت امکانات فنی پذیرفته خواهد شد. موارد استفاده غیرمجاز در آیین‌نامه‌ای که از طرف شرکت تهیه می‌شود و به تصویب وزیر پست و تلگراف و تلفن خواهد رسید، تعیین می‌گردد.»

بند ۷ ماده ۱۱ قانون استفاده از بیسیم‌های اختصاصی مصوب ۱۳۴۵/۱۱/۲۵ نیز آورده است: «هرکس پیام رادیویی مربوط به اشخاص دیگر را دریافت نموده و آن را مورد استفاده قرار دهد، به حبس از یک تا شش‌ماه یا به پرداخت غرامت از پنج‌هزارریال تا بیست‌هزارریال محکوم می‌شود.»

چنانچه معلوم است، از مجموع قوانین مورد اشاره این مطلب محرز است که استراق و شنود در مواردی به تجویز قانون مجاز می‌شود. نکته و مطلبی که در این خصوص قابل ذکر است، آن است که اگرچه در تجویز قانون که براساس مبانی خاصی، از جمله ضرورت پیشگیری از وقوع جرم صورت گرفته است، ایرادی به‌نظر نمی‌رسد، اما عدم تعیین ضوابط و سازوکارهای دقیق مزبور به نحوه استراق و شنود، از جمله مهم‌ترین زمینه‌های تعدی و نقض حریم خصوصی ارتباطی به‌شمار می‌رود (نیکوکار، ۱۳۹۴: ۲۳). از این رو اهمیت حساسیت جایگاه حریم خصوصی ارتباطی و عنایت مبانی شرعی به این قلمرو اقتضا دارد تا مقنن براساس ضرورت به رسمیت‌شناختن این قلمرو تمام تلاش و سعی خود را در تعیین ضوابط مزبور مصروف دارد. در چنین اوضاعی، باید در مورد اقدامات بسیار زیادی که حریم ارتباطات شخصی را در معرض خطر جدی قرار می‌دهند، بیش از پیش نگران بود و از ابزارهای حقوقی و قانونی برای کنترل این اقدامات استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

امنیت ملی در جهان امروز برجسته‌ترین ارزش دولت‌هاست. دولت‌های مردم‌سالار از ترس مداخله و دست‌اندازی دولت‌های غیرمردم‌سالار، امنیت ملی را پیش می‌کشند و دولت‌های غیرمردم‌سالار، رخنه‌های نادیدنی دولت‌های مردم‌سالار در نظام حکومتی فراگیر را تهدید به‌شمار می‌آورند. در دولت‌های مردم‌سالار هر چیزی از بیرون، دولت را مورد هجوم قرار دهد، تهدید بر علیه امنیت کشور به‌شمار می‌رود، ولی در دولت‌های اقتدارگرا هر تهدید اعم از داخلی و خارجی مسأله‌ای امنیتی محسوب می‌شود. در نوع اخیر از دولت، فراقی بین مقامات حکومتی برای سلب مسؤلیت و توجیه مشروعیت امری شایع است. برای مثال حتی تحولات ناخوشایند اجتماعی، از قبیل نابه‌سامانی وضع اقتصاد و فرهنگ، بیکاری، فقر، اعتیاد، طلاق و ... مسأله‌ای بیرونی و نشأت‌گرفته از دشمن و عامل بیگانه محسوب می‌شود. به بهانه حفظ امنیت ملی کشور، آزادی‌های عمومی و حقوق بنیادین افراد دستخوش چالش‌هایی شده است. به‌عنوان یک نمونه ملموس و مشهور می‌توان گفت فضای رعب‌آور پس از فاجعه انسانی یازدهم سپتامبر توجیه اساسی برای اعمال مجموعه‌ای از اقدامات کنترلی بوده است که آزادی‌های مدنی را به نام امنیت داخلی محدود و سلب کرده است تا جایی که عده‌ای این تحول را «حالت استثنا» تلقی کرده‌اند، اما حالت استثنا به پارادامی رایج در دولت معاصر تبدیل شده است. محدودیت‌های اعمال‌شده در خصوص آزادی‌های مدنی و گسترش رویه‌های وسیع نظارتی به‌طور نامتناسب برخی گروه‌های اقلیت را هدف قرار می‌دهد. سیاست‌های پلیسی عدم مدارا، استفاده گسترده از نظارت ویدیویی و روش‌های مختلفی که امروزه برای مبارزه با تروریسم مورد استفاده قرار می‌گیرد، با هدف استقرار امنیت ملی و درنهایت حفظ منافع عمومی است که هیچ توجیهی نمی‌طلبد. فضای امنیتی به‌عنوان کاتالیزور برای معرفی فناوری‌های جدید در سطح جهان عمل می‌کند و به قسمتی از زندگی روزانه شهروندان تبدیل شده‌اند. استفاده بیش از حد از روش‌های وضعی در پیشگیری از جرم علاوه‌بر آنکه منجر به شکل‌گیری دولت پدرسالار کیفری در عمل شده است، به استقرار و تداوم جو هولناک امنیتی دامن زده است و این

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۳). «تحلیل الگوی تعامل و آزادی و امنیت». پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲(۸): ۸۳-۹۹.

- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۸). *تسامح صفر: سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرائم خُزْد*. چاپ سوم، تهران: نشر میزان.

- حبیب‌زاده، محمدجعفر و دیگران (۱۳۸۳). «خشونت و نظام عدالت کیفری». *نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۱(۲): ۱-۱۶.

- داوودی گرمارودی، هما و سمانه طاهری (۱۳۹۹). *سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه*. تهران: نشر میزان.

- دل‌وکیو، جورجو (۱۳۹۶). *فلسفه حقوق*. ترجمه جواد واحدی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

- دورکین، رونالد (۱۳۹۷). *فلسفه و سیاست در مردان اندیشه*. ترجمه عزت‌الله فولادوند، چاپ چهارم، تهران: نشر طرح نو.

- راسخ، محمد (۱۳۹۳). *حق و مصلحت (مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حقوق و فلسفه ارزش)*. مقاله حکومت و اخلاق رأس هریسون، چاپ پنجم، تهران: نشر طرح نو.

- رالز، جان (۱۳۹۷). *نظریه عدالت*، ترجمه سیدمحمدکمال سروریان و مرتضی بحرانی، چاپ چهارم، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۹۷). *کرامت انسانی در حقوق کیفری*. چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.

- شوالیه، ژاک (۱۳۹۸). *دولت قانونمند*. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

- صادقی، محسن (۱۳۹۴). *اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه*. چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.

- صفاری، علی (۱۳۸۱). «انتقادات وارده به پیشگیری وضعی از جرم». *نشریه تحقیقات حقوقی*، ۳۵: ۱۹۳-۲۳۴.

- طاهری، سمانه (۱۳۹۲). *سیاست کیفری سخت‌گیرانه*. چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.

همان چیزی است که ناقضان امنیت ملی در پی آن هستند. افزایش ترس از جرم به واسطه تدابیر مختلف پیشگیری وضعی به شهروندان این پیام را القا می‌کند که محیط زندگی آنان خطرناک است. افزایش اقدامات امنیتی آشکار موجب می‌شود تا شهروندان عادی به دلیل ترس از قربانی شدن واکنش‌های روانی مختلفی از خود بروز دهند. حس بدگمانی و سوءظن آنان نسبت به دیگران افزایش یابد، تعاملات فردی و اجتماعی‌شان تضعیف شود، گوشه‌گیر و ضداجتماعی شوند و کمتر از منزل خارج شوند. از طرف دیگر چنانچه در مقوله راجع به نظارت‌ها گفته شد، شهروندان را باید از وجود اقدامات پیشگیرانه و به‌خصوص دوربین‌های مداربسته آگاه ساخت تا نقض حقوق اساسی آنان به حداقل ممکن کاهش یابد. در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، اثبات شد که پیشگیری امنیت‌مدار از جرم می‌تواند متأثر از ایدئولوژی حاکم، قوای سه‌گانه را تحت تأثیر قرار دهد و در مقوله تقنین، اجرا و رسیدگی قضایی منجر به نقض حریم خصوصی شهروندان شود که در ضمن بیان و تحلیل ماده‌های قانونی بیان شد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نفر اول به‌عنوان نویسنده اصلی و نفرات بعدی به‌عنوان نویسنده همکار عمل کرده‌اند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نمایم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۷). «پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر». پایان‌نامه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.

- عباس‌زاده، هادی و کامران کرمی (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار». *مطالعات راهبردی*، ۱۴(۵۱): ۵۸-۳۱.
- عبداللّهی، محسن (۱۳۹۸). *تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*. چاپ چهارم، تهران: نشر شهر دانش.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۹۸). *مبانی جرم‌شناسی*. جلد اول، چاپ سیزدهم، تهران: نشر دانشگاه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲). *فراسوی راست و چپ*. ترجمه محسن ثلاثی، چاپ چهارم، تهران: نشر علمی.
- محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۷). «جرم‌زدایی به‌منزله یک تغییر». *نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ۳۸(۱): ۳۲۱-۳۵۰.
- مصفا، نسرین و نبی‌الله ابراهیمی (۱۳۸۷). «جایگاه حقوق بشر در نظریه‌های روابط بین‌الملل». *نشریه سیاست*، ۳۸(۴): ۲۷۷-۲۵۹.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۹۱). *دکترین‌های امنیت و آزادی و دین*. چاپ اول، انتشارات جوان پویا.
- مهدوی‌پور، اعظم و نجمه شهرانی (۱۳۹۳). «امنیتی‌شدن جرم‌شناسی: راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری». *دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۵(۱): ۱۵۹-۱۸۸.
- موسی‌زاده، رضا (۱۳۹۸). *بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی*. چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۸). *تازه‌های علوم جنایی: مجموعه مقاله‌ها [مقاله «سیاست جنایی: پیشینه تاریخی، ساختار و ویژگی‌ها» نوشته امیر ایروانیان]*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- نیکوکار، حمید (۱۳۹۴). *دانشنامه پیشگیری از جرم، فصل بیستم، رأس هومل و بیتتر هومل، اجرای پیشگیری از جرم: حکمرانی مطلوب و علم اجرا*. ترجمه رسول عابد، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- هداوند، مهدی (۱۳۸۴). «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر». *نشریه حقوق اساسی*، ۳(۴): ۵۱-۸۶.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۸). «دولت‌های شکننده و امنیت انسانی». *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۲(۴): ۳۶-۵.